

درس خارج فقه مضرت آیت الله مسینی بوشهری (دامت برکاته)

تاریخ: ۱۷ دی ۱۳۹۸

مصادف با: ۱۱ جمادی الاولی ۱۴۴۱

جلسه: ۱۸

موضوع کلی: فصل فی شرائط الوضوء

موضوع جزئی: شرط سیزدهم؛ اخلاص

سال تحصیلی: ۹۸-۹۹

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

مسأله ۵۸۵: «لا اعتبار بشک کثیر الشک سواء كان في الأجزاء أو في الشرائط أو الموانع»^۱.

به نظر مرحوم سید (ره)، شک کثیر الشک اعتباری ندارد، اعم از اینکه شک او در اجزا باشد یا در شرائط باشد یا در موانع باشد. بسیاری از فقها از جمله ابن ادریس (ره) در سرائر، شهید اول (ره) در ذکری و صاحب مدارک در مدارک الأحکام نیز همانند مرحوم سید (ره) به عدم اعتبار شک کثیر الشک قائل شده‌اند.

نظر فقها این است که آنچه به طور مطلق از ادله استفاده می‌شود این است که شکی قابل اعتنا است که شک متعارف باشد که به این شک‌ها ترتیب اثر داده می‌شود و آثار بر آن بار می‌شود، اما شکی که از دایره متعارف خارج باشد، قابل اعتنا نیست. روایاتی نیز وارد شده‌اند که بر عدم اعتبار شک کثیر الشک دلالت دارند، هرچند که بعضی از این روایات در باب صلاة وارد شده‌اند، لکن مورد، مخصّص نیست و معیار، کثیر الشک بودن است، چه در باب وضو باشد و چه در باب صلاة باشد.

روایت اول: عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع)؛ قَالَ: «إِذَا كَثُرَ عَلَيْكَ السَّهْوُ فَاْمُضْ عَلَى صَلَاتِكَ فَإِنَّهُ يُوشِكُ أَنْ يَدْعَكَ إِنَّمَا هُوَ مِنَ الشَّيْطَانِ»^۲.

گفته‌اند که «هو» در «انما هو من الشيطان» به کثرت برمی‌گردد، یعنی کثرت سهو که باعث تردید می‌شود کار شیطان است.

روایت دوم: عَنْ زُرَّارَةَ وَ أَبِي بَصِيرٍ جَمِيعاً قَالَا: قُلْنَا لَهُ: الرَّجُلُ يَشْكُ كَثِيراً فِي صَلَاتِهِ حَتَّى لَا يَدْرِي كَمْ صَلَّى وَلَا مَا بَقِيَ عَلَيْهِ قَالَ: «يُعِيدُ» قُلْنَا: فَإِنَّهُ يَكْثُرُ عَلَيْهِ ذَلِكَ كُلَّمَا أَعَادَ شَكَّ قَالَ: «يَمْضِي فِي شَكِّهِ» ثُمَّ قَالَ: «لَا تُعَوِّدُوا الْخَبِيثَ مِنْ أَنْفُسِكُمْ نَقْضَ الصَّلَاةِ فَتَطْمَعُوهُ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ خَبِيثٌ مُعْتَادٌ لِمَا عَوَّدَ فَلْيَمْضِ أَحَدُكُمْ فِي الْوَهْمِ وَلَا يُكْثِرَنَّ نَقْضَ الصَّلَاةِ فَإِنَّهُ إِذَا فَعَلَ ذَلِكَ مَرَّتَ لَمْ يَعُدْ إِلَيْهِ الشَّكُّ»^۳.

زراره و ابوبصیر گفته‌اند که به امام (ع) [امام باقر (ع) یا امام صادق (ع)] گفتیم که شخصی است که زیاد در نمازش شک می‌کند، به گونه‌ای که نمی‌داند چه مقدار نماز خوانده است و چه مقدار باقیمانده است، حضرت (ع) فرمود که نمازش را اعاده می‌کند، گفتیم که هنگامی که نماز را اعاده می‌کند نیز شک می‌کند، حضرت (ع) فرمود که به شکش توجه نمی‌کند و می‌گذرد، سپس آن حضرت (ع) فرمود که شیطان را عادت ندهید که موجب نقض نماز شود [و شما را وادار کند تا به محض شک، نماز را بشکنید] و او را در این کار به طمع بیندازید، پس شیطان خبیث است که به آنچه او را عادت داده‌اید، عادت می‌کند، پس هر کدام از شما باید به این

۱. سید محمدکاظم، طباطبائی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۵۲.

۲. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۸، کتاب الصلاة، ابواب الخلل الواقع فی الصلاة، باب ۱۶، ص ۲۲۷، ح ۱.

۳. همان، ص ۲۲۸، ح ۲.

وهم و شک، توجه نکند و از آن بگذرد و نقض صلاة را زیاد نکند، زیرا اگر چند بار تکرار شود که به شیطان توجه نشود، شک سراغ انسان نمی آید.

روایت سوم: صحیحہ عبد اللہ بن سنان: عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ: ذَكَرْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) رَجُلًا مُبْتَلًى بِالْوُضُوءِ وَالصَّلَاةِ وَقُلْتُ: هُوَ رَجُلٌ عَاقِلٌ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع): «وَأَيُّ عَقْلٍ لَهُ وَهُوَ يُطِيعُ الشَّيْطَانَ» فَقُلْتُ لَهُ: وَكَيْفَ يُطِيعُ الشَّيْطَانَ؟ فَقَالَ: «سَلَّهُ هَذَا الَّذِي يَأْتِيهِ مِنْ أَىِّ شَيْءٍ هُوَ؟ فَإِنَّهُ يَقُولُ لَكَ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ»^۱.

ممکن است که گفته شود که دو روایات از سه روایتی که ذکر شد در رابطه با نماز است و ربطی به بحث مورد نظر که بحث وضو است، ندارند، لکن در پاسخ گفته می شود که مورد، مخصّص نیست، بنابراین، از صلاة الغاء خصوصیت می شود و عرض می شود که کثیر الشک بودن به صلاة منحصر نیست، بلکه از نماز به غیر آن تسرّی می شود و دلیل این امر، تعلیلی است که در روایت آمده است و آن این است که منشأ شک انسان، شیطان دانسته شده است و شک زیاد از عمل شیطان محسوب شده است و این علت اعم از وضو و غیر وضو است، یعنی علاوه بر صلاة وضو را نیز شامل می شود چون علت، گاهی جنبه تعمیم دارد و گاهی جنبه تخصیص دارد [العلّة قد یعمّم و قد یخصّص] و در مورد بحث، علت جنبه تعمیم دارد و وضو را نیز شامل می شود.

به علاوه اینکه در روایت سوم در کنار مسأله صلاة، مسأله وضو نیز مطرح شده است.

نتیجه، اینکه شک کثیر الشک قابل اعتنا نیست.

مرحوم آیت الله خویی (ره) فرموده است که عده ای خواسته اند که از راه دلیل دیگر عدم اعتبار شک کثیر الشک را ثابت کنند و گفته اند که دلیل عدم اعتنا به شک کثیر الشک، لزوم عُسر و حرج است. مرحوم آیت الله خویی (ره) فرموده است که این دلیل پذیرفته نیست زیرا عُسر و حرج بر دو قسم است که عبارت از عُسر و حرج شخصی و نوعی می باشند و به هیچ یک از این دو نمی توان بر عدم اعتبار شک کثیر الشک استناد کرد زیرا اگر منظور از عُسر و حرج، عُسر و حرج شخصی باشد، این عُسر و حرج، مقطوع العدم است چون ممکن است که اعتنا به شک کثیر الشک برای همه اشخاص عُسر و حرج نداشته باشد، همچنین، اگر منظور از عُسر و حرج، عُسر و حرج نوعی باشد قابل اعتنا نیست چون ترتیب اثر به شک کثیر الشک موجب عُسر و حرج نوعی نیز نمی شود، بنابراین، ادله نفی عُسر و حرج به هر دو قسمش شامل شک کثیر الشک نمی شود.

عده ای دیگر گفته اند که دلیل دیگر بر عدم اعتنا به شک کثیر الشک این است که وضو از توابع صلاة است و چون در نماز، مفروغ عنه است که شک کثیر الشک قابل اعتنا نیست، از باب تبعیت وضو از نماز، گفته می شود که در باب وضو نیز به شک کثیر الشک اعتنا نمی شود، لکن در پاسخ عرض می شود که ممکن است که تبعیت از وضو از صلاة پذیرفته شود و گفته شود که وضو [غیر از وضوهای مستحبی و وضوهای نذری و امثال آن] به عنوان وضو موضوعیت ندارد و از باب اینکه مقدمه نماز است موضوعیت پیدا می کند، ولی لازمه تابعیت وضو از صلاة اشتراک در حکم نیست تا گفته شود که همان طور که به شک کثیر الشک در باب صلاة اعتنا نمی شود، پس در وضو نیز به شک کثیر الشک اعتنا نمی شود.

بنابراین شکی در باب وضو قابل اعتناست که متعارف باشد و شک غیر متعارف قابل اعتنا نیست و دلیل عدم اعتبار شک کثیر الشک نیز روایات و کلمات فقها است که در این زمینه وارد شده اند.

۱. همان، ج ۱، کتاب الطهارة، ابواب مقدمة العبادات، باب ۱۰، ص ۶۳، ح ۱.

مسأله ۵۸۶: «التيمم الذي هو بدل عن الوضوء لا يلحقه حكمه في الاعتناء بالشك إذا كان في الأثناء وكذا الغسل و التيمم بدله بل المناطق فيها التجاوز عن محل المشكوك فيه و عدمه فمع التجاوز تجرى قاعدة التجاوز و إن كان في الأثناء، مثلاً إذا شك بعد الشروع في مسح الجبهة في أنه ضرب يديه على الأرض أم لا يبنى على أنه ضرب بهما وكذا إذا شك بعد الشروع في الطرف الأيمن في الغسل أنه غسل رأسه أم لا لا يعتنى به، لكن الأحوط إلحاق المذكورات أيضاً بالوضوء»^۱.

به نظر مرحوم سيد، تيمم بدل از وضو، در اعتناء كردن به شكی كه در اثناء تيمم باشد، حكم وضو را ندارد و همچنين، غسل و تيمم بدل از غسل [در اعتناء كردن به شكی كه در اثناء غسل و تيمم باشد]، حكم وضو را ندارد، بلكه مناط در اين سه مورد [تيمم بدل از وضو، غسل و تيمم بدل از غسل]، تجاوز از محل مشكوك فيه و عدم تجاوز از آن محل است كه در صورت تجاوز، قاعده تجاوز جاری می شود، هرچند كه شك در اثناء باشد، مثلاً اگر شخص بعد از شروع در مسح پيشانی [در تيمم] شك كند كه آیا دو دستش را بر زمین زده است يا نه، بنا را بر اين می گذارد كه دو دستش را بر زمین زده است و همچنين، اگر بعد از شروع به غسل طرف راست بدن، شك كند كه سرش را شسته است يا نه، به اين شك اعتنا نمی كند، لكن احتياط [مستحب] اين است كه شك در اثناء در موارد سه گانه مذكور [تيمم بدل از وضو، غسل و تيمم بدل از غسل] نیز به شك در اثناء وضو ملحق می شود [، يعنی بايد جزء مشكوك را اعاده كند].

«الحمد لله رب العالمين»

^۱. سيد محمد كاظم، طباطبائی يزدی، العروة الوثقى، ج ۱، ص ۲۵۲.